

# مولانا جلال الدین

بلخی رومی

## وجد و استغراق

حال وجد و استغراق و محویت غا لباً بر مولانا طاری می بود ، نشسته ، نشسته ، دفعته بر خاسته بوجد می آمدند گاه گاهی خفیه بیرون برآمده هفته ها نا معلوم می بودند که بعد تلاش و تفحص زیاد در کدام ویرانه ایشان را پیدا میکردند ، مریدان خاص رفته مولانا را می آوردند .

با وجود گذشتن چند روز از سماع مولانا تا هم بهوش نمی آمدند در راه میروند که از کدام سمتی آواز شخصی بگوش ایشان میرسد همانجا ایستاده بوجد می بودند. در وقت سماع عادت داشتند که هر چه در دست می داشتند بیرون کرده برای نعت خوانان میدادند ، یکی از مریدانش خواجه مجدالدین نام که ثروتمند و صاحب مقدرات بود چندین صندوق لباس همیشه آماده میداشت و زمانیکه مولانا لباس خود را بکسی بخشیده از بدن بیرون میکردند فوراً لباس جدیدی آورده در برشان مینمود . معین الدین پروانه میخواست فاضلی را بقویه قاضی مقرر نماید ، آن شخص سه شرط پیش کرد :-

رباب منع کرده شود - چیراسی های سابق محکمه برطرف شود - به آنها نیکه مقرر میگردد حکم شود که از کسی چیزی اخذ نکنند - معین الدین دوشرطش

را قبول کرد اما شرط اول را باین سبب رد کردند که مولانا رباب می شنیدند -  
آن شخص در تعصب و نظریه خود محکم شده از پذیرفتن امر قضا ابا کرد .  
مولانا شنیده فرمودند که ادنی کرامت رباب این است که جناب فاضل  
را از بلای قضا نجات بخشید .

روزی سلطان واد شکایت کرد که تمام صوفیه با هم گرم جوشی و آمیزش  
دارند لیکن مریدان ما خواه ناخواه شب و روز جدل و گفتگو میکنند، مولانا فرمودند  
بلی : - هزار ما کیان در يك موضع بوده میتوانند ، اما دو خروس نمیتواند .

### حصه دوم

### تصنیفات

تصنیفات مولانا حسب ذیل اند :-

۱ - فیه مافیه :- این کتاب عبارت از مجموعه مکاتیبی است که مولانا وقتاً  
فوقاً بنام معین الدین پروانه نگاشته و بالکل نایاب است ، سپه سالار (۱)  
در تذکره خود ضمناً تذکره نموده که مختصری از اقتباس این کتاب مولانا در  
۱۳۰۹ هجری در امر تبر بطبع رسیده و در خاتمه آن نگاشته که این کتاب  
دارای سه هزار سطر میباشد .

۲ - دیوان :- این کتاب تقریباً دارای (۵۰) هزار فردست و چون در اخیر  
(مقطع) هر غزل اسم شمس تبریز تذکره شده از آنجهت در بین عوام به دیوان  
شمس تبریز شهرت یافته ، چنانچه در سر لوحه دیوان مطبوع هم اسم شمس تبریز

ترقیم شده که همه غلط محض است چه اسم شمس تبر بزر در تمام غزلها اولاً ازین حیث مذکور است که مرید پیر خود را خطاب مینماید و با اینکه غائبانه اوصافش را بیان میکند ، ثانیاً ریاض العارفین و غیره تصریح نموده اند که مولا نا این دیوان را با اسم شمس تبر بزر نگاشته ، بعلاوه اکثری از شعرا ، بر غزل مولا نا غزلها نوشته اند و در مقطع تصریح کرده اند که جواب غزل مولا نا است با این يك حصه یا فردی از غزل مولا نا را در غزلهای خود گرفته اند که همه عبارت از همان غزلها نیست که در دیوان فوق میتوان یافت که بنام شمس تبر بزر مشهور است .

علی حزین میگوید :- این جواب غزل مرشد روم است که گفت : من بیوی تو خوشم  
 نافه تاتار مگیر . مصرع دوم از مولا نا است که فر د کامل آن اینست :-  
 من بکوی تو خوشم خانه من ویران کن      من بیوی تو خوشم نافه تاتار مگیر  
 يك فر د غزل دیگر حزین این است که :-

مطرب ز ثوای عارفان و طایفه سوزگن زن که یار دیدم

باقیدارد

پرتال جامع علوم انسانی

